





عنوان و نام پدیدآور : چرا امام رضا(ع) ولایت عهدی مامون را پذیرفتند؟ / گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضی، ۱۳۹۱.

فروست : رهنما.

شابک : 978-600-6543-91-8

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- ولایتعهدی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضی

شناسه افزوده : آستان قدس رضی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

رده بندی کنگره : ۱۳۹۱۲۵/۴۷BP ج۴ /

رده بندی دیویی : ۹۵۷/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۶۹۶۸۳



۲۵ → چرا امام رضا(ع) ولایت عهدی را قبول کرد؟

نویسنده: آیت الله شهید مرتضی مطهری

آستان قدس رضی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا(ع)، اداره پاسخگویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمدمهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





چرا امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را قبول کرد؟

درآمد

برخی پذیرش ولایت عهدی از سوی امام رضا علیه السلام را نوعی سازش با خلیفه ناحق تلقی کرده و معتقدند که؛ امام رضا علیه السلام نمی بایست ولایت عهدی مأمون را می پذیرفتند و باید تا حد کشته شدن، مقاومت می نمودند!

برای پاسخ به این اشکال لازم است کمی به تاریخ بنگریم.^۱

۱. مجموعه آثار، جلد ۱۸، ص ۱۲۱-۱۲۰





۷

پیرا امام رضا علیه السلام ولایت عهدی را قبول کرد؟

نگاهی تاریخی

مأمون، وارث خلافت عباسی است. عباسی‌ها از روز اول، برنامه‌شان کشتن و شکنجه‌علویان بود. مأمونی که برای خلافت، برادر خود را می‌کشد، چگونه حضرت رضا علیه السلام را از مدینه احضار کرده و ابتدا از ایشان می‌خواهد که خلافت را بپذیرد و بعد با تهدیدهای سخت، ولایت‌عهدی را به امام می‌قبولاند؟!^۱ در این خصوص چند فرضیه وجود دارد:

• فرضیه اول

مأمون وزیری به نام فضل بن سهل دارد که همه‌کاره دستگاه او است. عده‌ای معتقدند او مأمون را وادار به این امر کرد که دو احتمال وجود دارد:

۱. م. آ. ج ۱۸، ص ۱۱۴



احتمال اول این که؛ فضل واقعاً شیعه بوده است که برخورد امام علی علیه السلام با وی خلاف این امر را نشان می‌دهد و ما می‌بینیم امام علی علیه السلام حتی خطر وی را به مأمون گوشزد نموده‌اند.

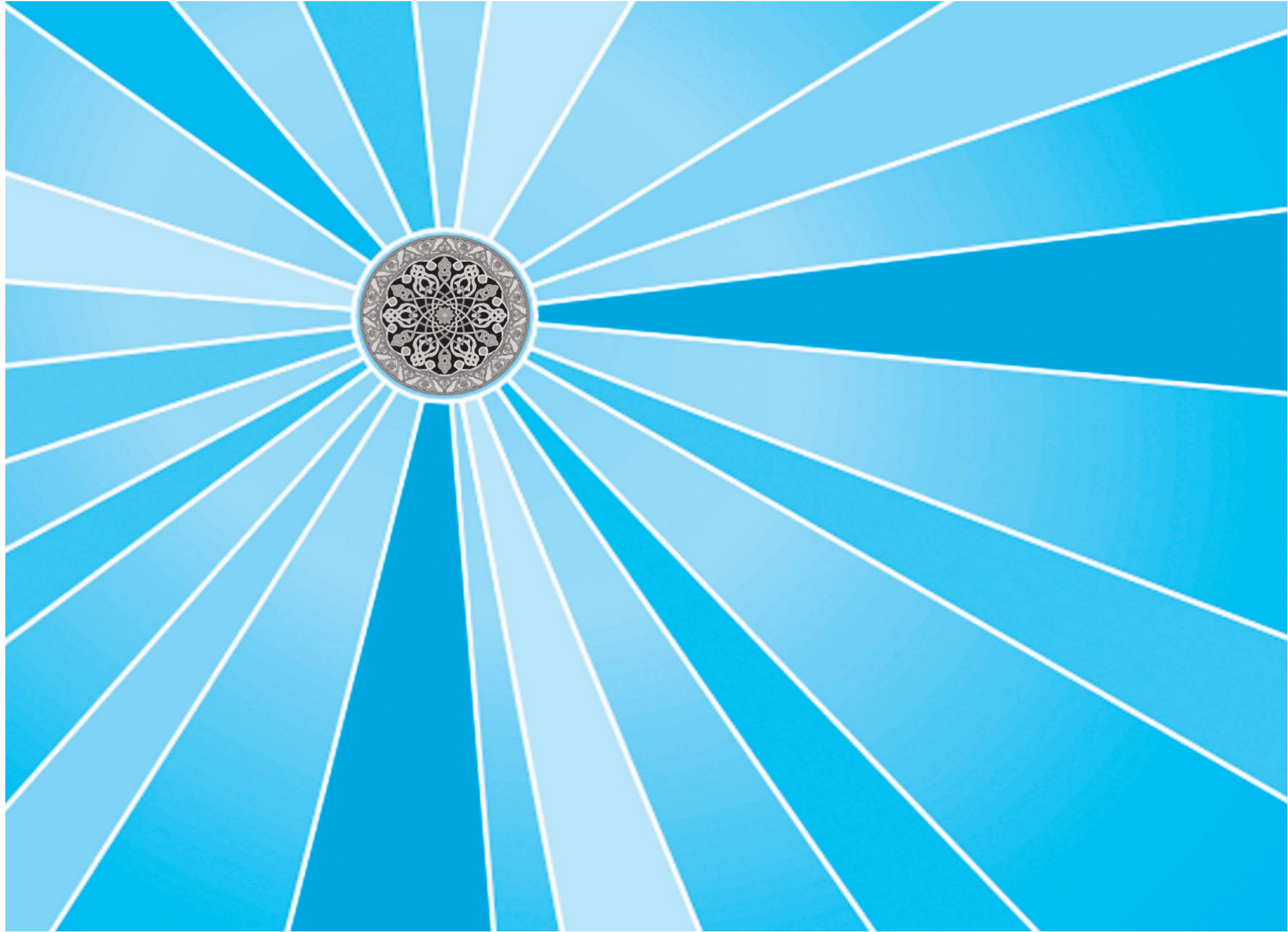
احتمال دوم این که؛ فضل عجلتاً می‌خواست خلافت را از دست عباسیان درآورد و روی عقاید مجوسی خود بود و قصد بازگرداندن ایران به دین زرتشت را داشته، که در این حالت وظیفه امام همکاری با مأمون است؛ زیرا خطر او بیشتر از خطر خلافت مأمون است. پس سازش امام با مأمون صحیح بوده است.^۱

• فرضیه دوم

نظر مشهورتر این است که این کار، ابتکار خود مأمون بوده است. اما درباره علت و چگونگی



آن، چند نظر وجود دارد؛ شیخ مفید و شیخ صدوق برآن اند که مأمون در جنگ‌هایش با امین، شکست می‌خورد و نذر می‌کند که اگر خلافت را به دست بگیرد، آن را به صاحبان اصلی‌اش برگرداند و در ابتدا نیز با خلوص نیت به امام پیشنهاد ولایت‌عهدی می‌دهد؛ اما بعداً از کار خود پشیمان می‌شود و امام چون می‌دانستند که او پشیمان می‌شود و تا پایان بر حرف خود باقی نمی‌ماند با پیشنهاد مأمون مخالفت می‌کردند.^۱ عده‌ای از مستشرقان معتقدند که وی به راستی شیعه بوده و حسن نیت داشته است که در این صورت باید حرف کسانی را قبول کنیم که می‌گویند: حضرت، به مرگ طبیعی از دنیا رفتند که این امر از نظر تاریخی، مردود است. علاوه بر این، اگر واقعاً چنین بود، حضرت باید ولایت‌عهدی را می‌پذیرفتند؛ در حالی که می‌بینیم ایشان این امر را قبول نکرده و با تهدید، مجبور به پذیرش





احتمال دیگری که با توجه به سخنان امام و رفتار ایشان با مأمون مطرح می‌شود این است که ابتکار این کار از خود مأمون بود و از اول هم صمیمیت نداشت و این کار را به خاطر سیاست و ملک‌داری انجام داد به این جهت که:

اول اینکه، نظر ایرانیان را جلب نماید؛ زیرا اکثر آنها مشتاق علویان بودند و تحت شعار «الرضا من آل محمد» می‌جنگیدند و مأمون به حضرت، لقب «رضا» داده و اعلام کرد که این، همان است که شما به خاطرش قیام کردید؛^۱

جهت دوم، فرو نشانیدن قیام‌های علویان؛^۲

سوم، مسئله خلع سلاح خود حضرت. هنگامی که در دستگاه خلافت به حضرت مقامی داده شده دیگر ایشان نمی‌تواند از نارضایتی مردم برضد دستگاه خلافت استفاده کند و

۱. همان، ص ۱۲۲-۱۲۱

۲. همان، ص ۱۲۴-۱۲۳



از طرفی این کار موجب خدشه دار شدن چهره امام، نزد مردم می گشت.^۱ در روایات ما این مطلب وجود دارد که حضرت به مأمون فرمودند: «تو با این کار می خواهستی مرا خراب کنی»^۲

برای فهم این موضوع، لازم است آن را از جانب امام رضا (ع) نیز بررسی کنیم:
چند چیز در تاریخ مسلم است:

• **الف.** احضار امام از مدینه به مرو، حالتی آمرانه و بدون مشورت داشت و مأمون امام را تا وقتی که به مرو رسید از موضوع باخبر نکرد.

• **ب.** مسئله ولایت عهدی از سوی امام مطرح نشد، بلکه از جانب مأمون بود و امام هم به شدت امتناع می ورزیدند و می فرمودند: اگر حق توسست، به چه اجازه ای به ما می دهی و

۱. همان، ص ۱۲۵-۱۲۴

۲. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۲۸

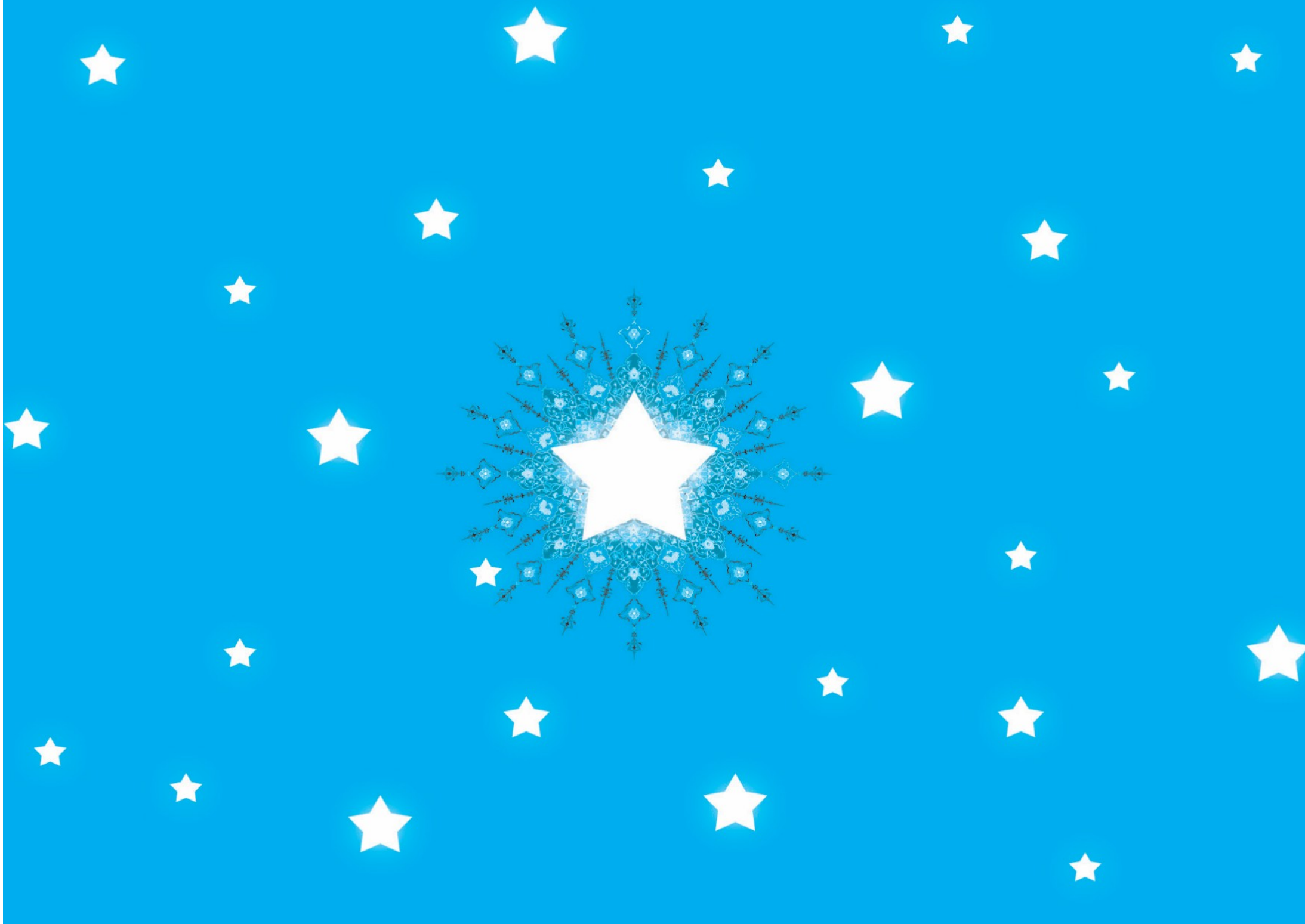


اگر نیست، چرا آن را غصب کرده‌ای؟

• ج. این امر به نحو پیشنهاد نبوده است، بلکه به صورت احضار و اجبار بوده است و مأمون، تهدید را با استدلال درهم آمیخت؛ یعنی وقتی که گفت: کار تو مثل کار علی (علیه السلام) در شورای شش نفره است، از طرفی استدلال می‌کرد که چون حضرت سازش کرد، پس اشکالی ندارد و از طرفی چون عمر در صورت عدم تصمیم آنها را تهدید به مرگ کرده بود، می‌خواست بگوید: تو نیز چنین وضعی داری.

• د. امام رضا (علیه السلام) شرط کرد که من این امر را قبول می‌کنم به شرطی که در هیچ کاری مداخله نکنم. در واقع، می‌خواست مسئولیت کارهای مأمون را نپذیرد و ژست مخالفت را حفظ کند.

• ه. طرز رفتار حضرت، پس از مسئله ولایت عهدی، قابل توجه است. غالباً رسم است که ولی عهد از حاکم تشکر کند و مأمون انتظار داشت که حضرت، تأییدی از او و خلافتش





کند؛ ولی در مراسم بیعت، اصلاً چنین نشد و حضرت فرمود: «ما حقى داريم و آن خلافت است، شما مردم هم حقى داريد و آن اينکه خليفه بايد شما را اداره کند و شما بايد حقدمان را به ما بدهيد، اگر داديد، وظيفه‌مان را انجام مى‌دهيم.» نه تشکری از مأمون صورت مى‌گيرد و نه حرف ديگرى مطرح مى‌شود؛ بلکه جوّ حاکم، خلاف روح جلسه ولایت‌عهدى است.^۱

طرح یک اشکال:

ممکن است برخى بگویند حضرت بايد مقاومت مى‌کردند تا کشته شوند! در پاسخ بايد گفت که چنانچه مى‌دانيم؛ از نظر شرعى خود را به کشتن دادن گاهى جايز مى‌شود، به شرط آنکه اثر کشته شدن بيشتر از زنده ماندن باشد، يا امر دایر باشد که شخص

عليه السلام
العليين



یا کشته شود و یا فلان مفسده بزرگ را متحمل شود؛ مثل قضیه امام حسین علیه السلام.

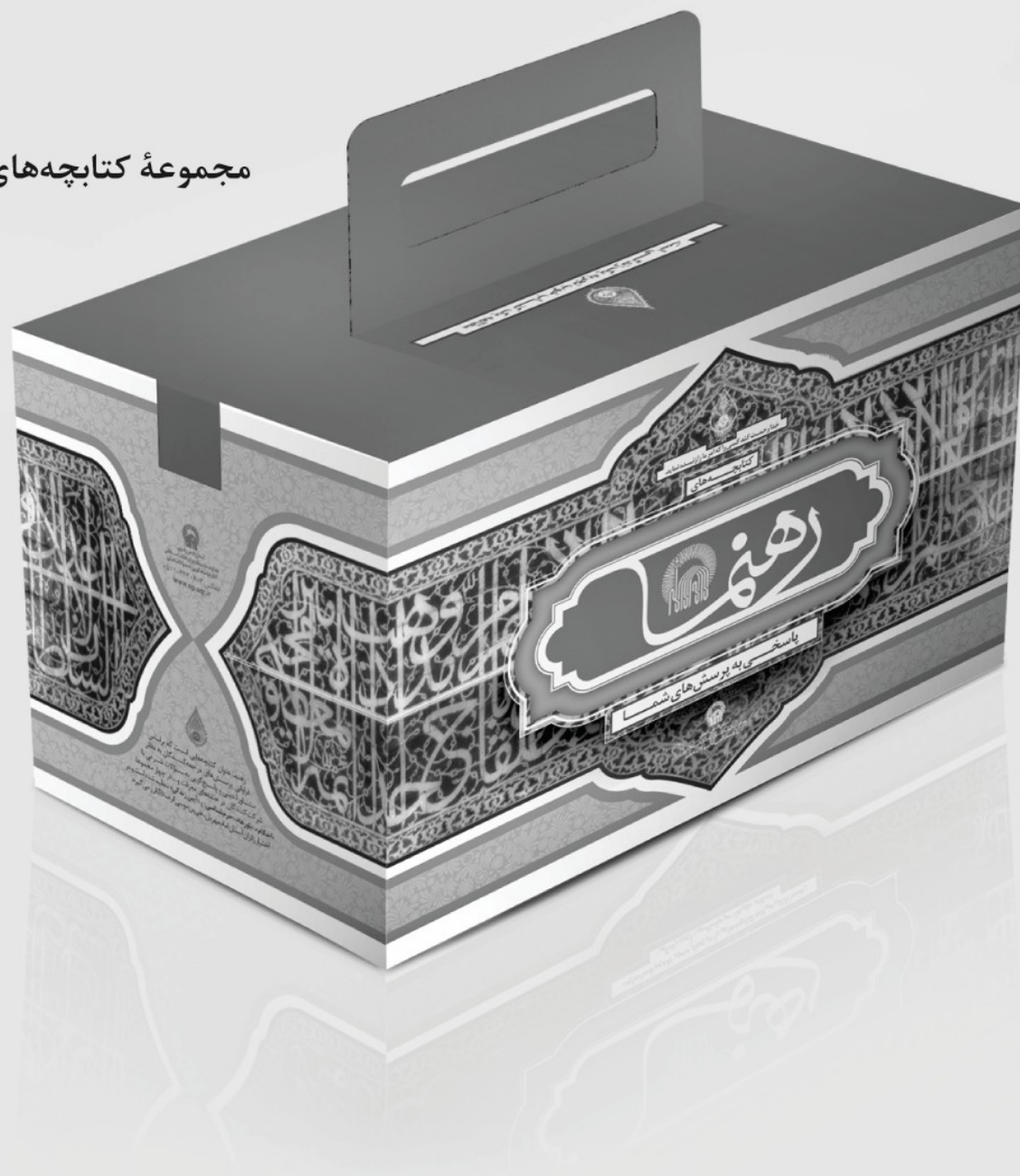
سؤال اساسی این است که آیا شرایط امام رضا علیه السلام نیز آن چنان بود؟!^۱

در قضیه حضرت رضا علیه السلام ایشان، مخیر می شود بین یکی از این دو کار: ولایت عهدی، به این شرط که مسئولیت کارهای دستگاه، به عهده حضرت نباشد و یا کشته شدن. قطعاً ایشان اولین راه را باید انتخاب می نمودند؛ زیرا صرف همکاری که گناه نیست، نوع همکاری مهم است. وقتی که بتوانیم به اسلام، بهره ای برسانیم، وارد شدن به دستگاه ظلم و جور، جایز است. اگر بتوانیم از طریق آن، امر به معروف و نهی از منکر بکنیم، وارد شدن به آن واجب است. در سیره ائمه علیهم السلام این موضوع فراوان دیده می شود. در مدت ولایت عهدی امام کاری به نفع عباسیان صورت نگرفت؛ ولی حضرت با تثبیت شخصیت علمی



خود از طریق دستگاه خلافت و پاسخ به شبهات علمی به نفع اسلام کار کرد^۱

مجموعه کتابچه‌های رهنما



نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.